

بدخشان مایهء عبرت

ماهه از خدا(ج) هستیم و بازگشت ما بسوی اوست

فاجعه بسیار المناک لغزش کوه در ولسوالی ارگویی بدخشان و مدفون شدن بالغ بر دوهزار و پنچصد هموطنان عزیز ما در زیر صدها من خاک و همچنان جاری شدن سیلاب های ویران کن اخیر در چند ولایت شمال کشور و حادثه انفجار در یک معدن ذغال سنگ در درهء صوف ولایت سمنگان راکه باعث از دست دادن جانهای شیرین یک تعداد زیاد هموطنان عزیز ما گردید، خدمت تمام ملت نجیب افغانستان اخصاً برای بازماندگان آن قربانیان، از اعماق قلب تسلیت عرض میدارم. خداوند همه آنها را غریق دریای رحمت بی منتهای خویش گردانیده و جنات النعیم را منزل و مأوای شان بگرداند. و همهء بازماندگان شان را صبر جمیل عنایت فرماید.

آخر زندگی هر ذیروح مرگ است. مگر مرگ هیچگاه شکار خود را از زمان فرار سیدن خود خبر نمی دهد. آنانیکه فکر میکنند برای همیشه زنده و صاحب قدرت، ثروت و مال و منال هستند، غافل گیر شده یا با حوادث ناگوار طبیعی، یا با حادثات گوناگون، یا با سگته های قلبی و یا عوامل دیگر دفعتاً این جهان فانی را وداع گفته و روانه جهان باقی میگردند.

در وطن عزیز ما آنانی که سالهاست از خوردن خون ملت بیچاره و مظلوم به زندگی شرم آور خود ادامه میدهند و از بازگشت بسوی خدا و حضور در محکمه عدل الهی غافلند و هر روز بیشتر از روز پیشتر در تلاش زراندوزی و خوردن خون ملت بیچارهء ما میباشند. برای گرفتن قدرت های ناپایدار و دو روزه از هیچگونه جنایت و خیانت خودداری و اجتناب نمی ورزند.

چقدر خوب و بجا خواهد بود، اگر وجدان مرده و خوابیده‌شان ولو برای لحظات کوتاه بیدار شده و در نتیجه از این همه مظالمیکه بر مردم کشور خود روا داشته و روامیدارند، اجتناب و دوری نمایند. حادثات دردناک ارگوی بدخشان، سیلابهای چند ولایت شمال کشور عزیز ما و انفجار معدن ذغال سنگ دره‌ءصوف همه مایه عبرت و زنگ خطر است اگر بدانیم و از زیر یوغ نفس اماره خود را نجات بدهیم.

بدخشان

بدخشانِ وطن در خاک و خون است
صدای ناله‌ها از حد فزون است
خدایا یک نظر از لطف و رحمت
که ملک بی سرما جوی خون است

زمام مُلک ما، در دست دزدان
در این حال فلاکت، مردم حیران
همه دزدان به فکر جیب خویش اند
ندارند یک نظر، سوی بدخشان

بوند در فکر کسبِ جاه و قدرت
نمودند انتخابات را کثافت
به رأی مردمان کشور ما
خیانت در خیانت در خیانت؟

به ظاهر بهر دلداری مردم
بدخشان رفته اند خونخوار مردم
در آنجا بر سر خاک شهیدان
به مثل میله رفتن، با تبسم

برای اخذ عکسهای یادگاری

بایستادند بر فرش مزاری
نمی دانند چرا رفتند در آنجا؟
بود در جمع شان کم، یک مداری
رسد روزی که تالین خائنان را
ببیند "حیدری" این جانیان را
به قهرایزد یکتا گرفتار
کند از لوث شان پاک انجمن را

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری
۷،۵،۲۰۱۴، سدنی، آسترالیا